



رادیو در کودتای مرداد ۱۳۳۲

● رضا مختاری اصفهانی
کارشناس ارشد تاریخ

ژوئیه گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

وسایل ارتباط جمعی در تحولات سیاسی - اجتماعی نقشی به سزا دارند و با گسترش آنها و شکستن مرزهای سنتی اجتماع، این وسایل تأثیرگذارتر از الگوها و معیارهای قبلی جامعه می شوند تا آنجا که مانند گروه مرجع عمل می کنند و حتی در برخی موارد بر الگوهای رفتار شخصی و خانوادگی تأثیر می گذارند؛ به طوری که امروزه شاهدیم رادیو و تلویزیون، چه از نوع داخلی و چه از نوع خارجی آن، سعی می کند بر ذهن و رفتار مخاطبان خود تأثیر بگذارد. این مقاله^(۱) بر آن است با تبیین اهمیت رادیو، به نقش و کارکرد آن در کودتای مرداد ۱۳۳۲ بپردازد.

رادیو و تبلیغات سیاسی دولت

رادیو اگرچه بسیار دیرتر از مطبوعات به جرگه وسایل ارتباط جمعی پیوست، اما یک شبه، ره صد ساله پیمود، زیرا از جذابیت هایی برخوردار بود که مطبوعات فاقد آن بودند. دیگر آنکه با توجه به حجم

وسیع بیسوادان در ایران آن روز، رادیو به راحتی می توانست آنها را از اخبار روز و حتی مطالب روزنامه ها آگاه سازد. اگر در گذشته انبوهی از جمعیت بر سکوهای معبری می نشستند تا جوانی تحصیل کرده برای آنان اخبار مهم روزنامه ها را بخواند، با

آمدن رادیو این نیاز برطرف شد. دولت رضاخانی هم این مهم را دریافته بود، از همین رو رجبعلی منصور (نخست وزیر) در نامه ای به تاریخ ۹ تیر ماه ۱۳۱۹ به کمیسیون رادیو می نویسد: «به فرمان مطاع مبارک ملوکانه مقرر است از مقالات

سودمند سیاسی و اجتماعی که در روزنامه‌های عمده مرکز منتشر می‌گردد، همواره خلاصه مفید و جامعی تهیه شده در رادیو به فارسی و زبان‌های بیگانه گفته شود». البته لازم بود که این مطالب را «در جزء اخباری که همه روزه از طرف کمیسیون رادیو به شرف عرض پیشگاه شاهانه می‌رسد، قرار دهند تا در صورتی که اجازه مرحمت فرمودند به فارسی و زبان‌های بیگانه گفته شود».

نکته مهم در این دستورالعمل آن است که با توجه به وسعت برد رادیو، اخبار آماده پخش با اجازه رضاخان به گوش مخاطبان می‌رسید. از سوی دیگر رادیو برای رهبرانی که از فن بیان خاصی برخوردار بودند، یک حربه مؤثر در القای افکار و اندیشه‌هایشان محسوب می‌شد. به طوری که روان‌شناسان در این باره اعتقاد دارند: «از آنجایی که در طول پخش سخنرانی، شنونده وجوه مشترک زیادی را با سخنران می‌یابد، همان‌گونه فکر می‌کند که گوینده فکر می‌کند و متکلم نیز کاملاً مراقب است تا این نکته را گوشزد کند که وی و شنونده‌ها در یک جبهه واحد قرار گرفته‌اند».

قدرت بود و خروج رادیو از حاکمیت دولت، حکم خروج مناطق دور از مرکز از حاکمیت دولت مرکزی را داشت. همچنین رادیو احساس و زبان مشترکی به تمام اقوام و گروه‌هایی می‌بخشید که در محدوده ایران زندگی می‌کردند.

تمام مواردی که شمرده شد از نکاتی است که سخت مورد توجه دولت محمد مصدق قرار داشت و حتی سیدباقر کاظمی (وزیر امور خارجه)، در مکاتبه‌ای از ضعیف بودن صدای رادیو تهران در هامبورگ شکوه می‌کند. این خود نشان از آن دارد که در آن دوره ملی شدن صنعت نفت، دولت در صدد بوده صدای حقانیت خود را از طریق رادیو به ایرانیان و جهانیان برساند و انحصار خبری انگلیسی‌ها را بشکند. قدرت انتقال سریع اخبار از طریق امواج، مهم‌ترین ویژگی این وسیله بود که روزنامه‌ها فاقد آن بودند. بر همین اساس دولت مصدق برخلاف رویه‌ای که در تکتک مطبوعات و آزادی بیان داشت، از تأسیس رادیو توسط مؤسسات دیگر جلوگیری می‌کرد. از همین رو وقتی ژاندارمری و شهربانی کل کشور از نخست‌وزیر، تقاضای تأسیس رادیو می‌کنند، بشیر فرهمند

و جایز نیست، زیرا اداره تبلیغات با توجه به منویات دولت و سیاست تبلیغاتی کشور برنامه جامع و وسیعی تهیه و تقدیم نموده و مرتباً همه روزه برای داخل و خارج کشور پخش می‌نماید. بنابراین چنان‌چه قرار شود مؤسسات یا تشکیلات دیگری برنامه رادیویی پخش نمایند، شنونده‌های رادیو تهران را منحرف خواهند نمود مآلاً موجب خواهد شد که با انعطاف توجه شنونده‌ها به رادیوهای دیگر به تدریج به جای رادیو مرکزی کشور (رادیو تهران) به رادیوهای خارجی نیز توجه شود که زبان آن از نظر مبارک دور نیست».

به نظر می‌رسد بشیر فرهمند، در واقع بر این نکته تأکید داشته که اجازه تأسیس رادیو به مؤسسات دیگر، یک بلندگوی مهم را در اختیار مخالفان دولت قرار می‌دهد و ژاندارمری و شهربانی می‌توانستند به بلندگوی دربار تبدیل شوند و در تخریب دولت بکوشند. جالب اینکه مدیرکل انتشارات و تبلیغات در پایان نامه خود با تأکید هر چه بیشتر می‌نویسد: «از حضور مبارک استدعا دارم قدغن فرمایند هیچ مؤسسه و تشکیلاتی، اعم از دولتی و ملی، حق تأسیس و دایر نمودن رادیو نداشته باشند». حتی او تصویب نامه‌ای در این مورد، تهیه و برای تصویب برای مصدق ارسال می‌کند.

رادیو و کودتا از اوج تا فرود

آنچه ذکر شد، شمه‌ای از اهمیت رادیو از لحاظ تأثیرگذاری در توده‌های مردم بود و دولت نیز بر این امر واقف و آگاه بود. از آن سو طراحان کودتا علیه مصدق نیز تسخیر رادیو را کلید موفقیت خود می‌دانستند. به طوری که در تدابیر مطبوعاتی و تبلیغاتی کودتا آمده بود:

«تشدید تبلیغات بر ضد مصدق پیش از کودتا
- تعیین مدیرکل مطبوعات: زاهدی

دولت مصدق برخلاف رویه‌ای که در تکتک مطبوعات و آزادی بیان داشت، از تأسیس رادیو توسط مؤسسات دیگر جلوگیری می‌کرد؛ زیرا این رادیوها می‌توانستند به بلندگوی دربار تبدیل شوند و در تخریب دولت بکوشند.

(مدیرکل انتشارات و تبلیغات) که متولی امور رادیو بود، در این باره به نخست‌وزیر می‌نویسد: «تأسیس رادیو به وسیله وزارتخانه‌ها یا مؤسسات دولتی غیر از اداره کل تبلیغات، علاوه بر اینکه هزینه زیادی را بر بودجه مملکتی تحمیل خواهد نمود، از نظر مصالح عالی کشور نیز به هیچ وجه صلاح

علاوه بر این، رادیو حامل قدرت حکومت مرکزی بود. اگر قدرت در مرکز حکومت با قدرت و سطوت فرمان می‌راند، وفاداری نقاط دور از مرکز محرز بود و تضعیف دولت در پایتخت به منزله ایجاد اغتشاش در دیگر نقاط محسوب می‌شد. رادیو در واقع حامل این ضعف و



باید سریعاً مدیرکل تبلیغات و مطبوعات دولت را منصوب نماید تا اقدامات زیر را انجام دهد:

- خبرنگاران خارجی را توجیه کند.
- گزارش های رسمی از قبل تهیه شده مقامات آمریکا و انگلیس را انتشار دهد.
- حداکثر استفاده را از رادیو برد.

طراحان کودتا در صورت دست نیافتن سریع به رادیو پیش بینی کرده بودند: «در صورت امکان یک شبکه رادیویی متعلق به سازمان سیا باید در جریان کودتا صرفاً جهت ارتباط افسر عملیاتی سیا و دفتر نظامی پدید آید که لازم است به نوبت با مرکز و بخش های فرماندهی نیروهای خودی در ارتباط باشد.» پس از تسخیر رادیو می بایستی برای مشروعیت کودتا تلاش می شد و برنامه های دولت کودتا از آن پخش می شد. حتی محتوا و نوع برنامه ها مشخص شده بود: «برنامه های رادیویی باید ساده تهیه شوند و شامل نکاتی درباره وعده کاهش سریع هزینه های زندگی، افزایش حقوق کارمندان دولت و نظامیان و مواردی از این قبیل باشند».

کودتاچیان در کودتای ۲۵ مرداد موفق به استفاده از رادیو نشدند، زیرا با افشای طرح کودتا، سرهنگ نعمت الله نصیری، حامل فرمان عزل مصدق از نخست وزیری، توسط محافظان منزل نخست وزیر دستگیر شد. همچنین شهربانی دولت مصدق در شب ۲۵ مرداد با گماردن سرهنگ غفاری به حفاظت از دستگاه فرستنده رادیو پرداخت. سرهنگ غفاری هم با از کار بازداشتن مهندسین مرکز فرستنده، اقدامات احتیاطی را برای جلوگیری از استفاده کودتاچیان از رادیو به عمل آورد.

همان طوری که گفته شد با دستگیری نصیری، ضربه محکمی به مغز کودتا وارد آمد. کودتاچیان که سعی داشتند با انتشار دست خط شاه مبنی بر عزل مصدق و انتصاب زاهدی به نخست وزیری شائبه هر نوع کودتا را از اقدام خود بزدایند، وقتی

ساعت ۷ تا ۸ صبح چندین بار قرائت شد. سرمقاله های روزنامه **باختر امروز** که در آن به دربار، شخص محمدرضا و خاندان پهلوی حمله سختی شده بود، از رادیو پخش شد. فرهمند در مورد پخش این سرمقاله ها - که بعدها به اعتقاد برخی، جان دکتر فاطمی بر سر آنها و تجمع ۲۵ مرداد رفت - در دادگاه دکتر مصدق می گوید: «بنده در مواردی که مندرجات سرمقاله **باختر امروز** خارج از حدود عادی بود و مطلبی بود که بایستی قبلاً اجازه

موفق نشدند رادیو را در اختیار بگیرند، این فرصت و موقعیت را از دست دادند. وقتی در ساعت سه و نیم بامداد ۲۵ مرداد، خبر شکست کودتا توسط ریاحی (رئیس شهربانی) به اطلاع غلامحسین صدیقی (وزیر کشور) رسید، وی فوراً خود را به خانه نخست وزیر رساند و در آنجا اعلامیه ای مربوط به چگونگی کودتا تهیه کرد که در ساعت هفت صبح از رادیو پخش شد. اعلامیه مذکور برای بار دوم در ساعت هفت و سی دقیقه پخش گردید.

در آن دوره ملی شدن صنعت نفت، دولت در صدد بود صدای حقانیت خود را از طریق رادیو به گوش ایرانیان و جهانیان برساند و انحصار خبری انگلیسی ها را بشکند.

گرفته شود، در تمام مدت دو سال، قبلاً تلفن می کردم و می پرسیدم که باید خوانده شود یا خیر؟ در آن سه روز هم شخصاً تلفن کردم و به وسیله آقایان فریور^(۳) و خازنی سؤال کردم. آنها هم تأیید کردند».

مهم ترین اقدام رادیو در روز ۲۵ مرداد، پخش خبرهای گردهمایی آن روز در میدان بهارستان توسط طرفداران دکتر

رادیو بار دیگر برتری خود را به رخ مطبوعات کشید. به محض انتشار خبر شکست کودتا از رادیو، محمدرضا پهلوی به عنوان نقطه اتکای ارتش و مشروعیت نخست وزیری زاهدی از رامسر به بغداد گریخت. دولت در روز ۲۵ مرداد حداکثر استفاده را از رادیو برد. به گفته بشیر فرهمند: «به دستور دکتر فاطمی اعلامیه دولت مبنی بر انجام کودتای نافرجام از

مصدق به سرکردگی دکتر فاطمی بود، دستور ضبط و پخش این مراسم هم توسط فاطمی داده شد. البته به گفته بشیر فرهمند: «دکتر مصدق در دیدار حضوری مدیرکل تبلیغات و انتشارات بر توصیه دکتر فاطمی صحنه گذاشته بود». بشیر فرهمند با وجود دستور دکتر مصدق، هنگام پخش آن نوار در ساعت ۹ شب، با دکتر فاطمی تماس گرفت و از او پرسید: «آیا شما این نوار را قبلاً گوش داده‌اید و پخش آن از رادیو مانعی ندارد؟» دکتر فاطمی هم در پاسخ می‌گوید: «خود من در تمام مدت در این تجمع حاضر بودم و پخش این فیلم به هیچ وجه اشکالی ندارد. به مسئولیت اینجانب پخش کنید».

در این تجمع که از رادیو تهران پخش شد، تعداد زیادی از مردم شرکت کرده بودند و سخنرانان آن عبارت بودند از: موسوی (نماینده مجلس)، سید علی شایگان (مهندس زیرک‌زاده) مهندس رضوی و دکتر حسین فاطمی.

به گفته گزارشگر آمریکایی کودتا: «همه سخنرانان به شاه حمله کردند و خواستار کناره‌گیری وی از سلطنت شدند. در خلال این سخنرانی‌ها، مردم برای نخستین بار متوجه شدند که شاه به بغداد فرار کرده است». جالب اینکه علاوه بر مردمی که در تجمع شرکت کرده بودند، در ساعت ۹ شب مردم سراسر ایران از طریق رادیو خیردار شدند که شاه از ایران خارج شده، در حالی که پایگاه هدایت کننده کودتا چند ساعت بعد، از فرار شاه آگاه شد. پخش مطالب تند گردهمایی ۲۵ مرداد از لحاظ داخلی تأثیر فراوانی داشت. هر چند که سال‌ها قبل عظمت دستگاه سلطنت با انقلاب مشروطه دچار خدشه شده بود، اما اهمیت این سخنرانی‌ها از آن جهت بود که سخنرانان یادآوری می‌کردند که با وجود حالت دموکرات منشانه و پایبندی به اصول مشروطه از طرف محمدرضا، او پسر رضاخان است و دکتر فاطمی سعی فراوان داشت که در

حافظه تاریخی ایرانیان، کودتای ۲۵ مرداد را با کودتای ۳ اسفند ۱۲۹۹ به مقایسه بگذارد.

صبح روز ۲۶ مرداد آرام‌تر از روز قبل بود. داد و شاهد، دو روزنامه مخالف دولت، برخلاف آنچه در روز قبل گفته شده بود، دولت را عامل کودتا معرفی کرده بودند. کودتاچیان نیز به رادیو متوسل شدند و شاه از طریق رادیو بغداد گفت: «آنچه در ایران اتفاق افتاده است، در واقع

در روز ۲۶ مرداد، رادیو پی در پی بیانیه‌هایی از دولت را پخش می‌کرد که علاوه بر نمایش قدرت و کنترل دولت بر اوضاع، ضربه روحی بر کودتاچیان بود.

نمی‌توان کودتا نامید. طبق اختیاراتی که قانون اساسی به او داده، مصدق را برکنار و ژنرال زاهدی را به جای او منصوب کرده است». البته تنها کسانی پیام و صدای شاه را شنیدند که از رادیوهای مجهزی برخوردار بودند و هنوز مصدق از لحاظ رادیو برگ برنده را در اختیار داشت.

رادیو پی در پی بیانیه‌هایی از دولت را پخش می‌کرد که علاوه بر نمایش قدرت و کنترل دولت بر اوضاع، ضربه روحی بر کودتاچیان بود. از جمله در ساعت ده و نیم صبح ۲۶ مرداد، رادیو تهران از ژنرال زاهدی خواست تا خود را به مقامات مسئول تسلیم کند. بعد از آن، فهرست اسامی شرکت‌کننده‌ها در کودتا و دستگیر شده‌ها اعلام شد. کنفرانس مطبوعاتی دکتر فاطمی و سرمقاله‌های روزنامه **باختر امروز** نیز مانند همیشه دربار رانشانه می‌گرفت.

صدر بلاغی از رهبران مذهبی نیز

رادیو را برای حمله به شاه مناسب یافت و در بهترین ساعات روز (ساعات پایانی بعدازظهر) در این مورد سخنرانی کرد.

در روز ۲۷ مرداد، از فعالیت رادیو نسبت به دو روز گذشته کاسته شد. طبق گزارش‌ها، اطلاعیه‌های نظامی که حاکی از تلاش دولت برای تقویت کنترل خود بر اوضاع بود و اطلاعیه‌ای مبنی بر تخصیص جایزه یکصد هزار ریالی برای کسی که از مخفیگاه زاهدی خبر دهد، از جمله فعالیت‌های شاخص رادیو علیه کودتاچیان بود.

بعدها بشیر فرهمند در دادگاه مصدق از حذف سرود شاهنشاه پاینده باد در روز ۲۷ مرداد سخن گفت. البته او در تکذیب پخش نکردن سرود سلام شاهنشاهی در روزهای ۲۵ تا ۲۸ مرداد، از تهدید خود توسط نیروهای چپ به دلیل پخش این سرود خبر داد. اعلامیه‌ای که در این روز از رادیو پخش شد، آغاز روند انفعالی دولت در قبال کودتاچیان بود که در آن، دولت هرگونه تظاهرات را ممنوع اعلام کرد. ۲۷ مرداد در حالی روبه پایان بود که حاکی از انفعال نیروهای دولتی در مقابل کودتاچیان بود و گویا آنها کار را تمام شده می‌دانستند و دیگر نیازی به هدایت و تهییج نیروهای مردمی نمی‌دیدند.

صبح روز ۲۸ مرداد خبر از دگرگونه شدن اوضاع می‌داد، این بار مطبوعات طرفدار شاه به میدان آمده بودند. روزنامه‌های ستاره اسلام، آسیا، جوانان، آرام، مرد آسیا، ملت ما، ژورنال تهران، شاهد داد، فرمان نخست‌وزیری زاهدی را به چاپ رسانده و حتی با چاپ یک مصاحبه دروغین با زاهدی، این پیام او را القا می‌کردند که: «دولتش، تنها دولت قانونی موجود است». دسته‌های اخلاص‌گرا و اوپاش از جنوب شهر به سوی مراکز دولتی روان شدند. همه چیز



مهم‌ترین اقدام رادیو در روز ۲۵ مرداد، پخش خبرهای گردهمایی آن روز در میدان بهارستان توسط طرفداران دکتر مصدق به سرکردگی دکتر فاطمی بود.

سپس دوباره هیاهو در گرفت و بعد سکوت شد. سپس تا چند دقیقه صفحه سرود شاهنشاهی به طور متوالی صدا می‌کرد. بعد نطق میراشرافی و مهدی پیراسته را شنیدیم، گفتم آنچه من از ساعت یازده از آن می‌ترسیدم و در فکر آن بودم و به آقای نخست‌وزیر هم تلفن کردم و نباید بشود، شده است و قطعاً شهرستان‌ها هم مختل خواهد شد. به گفته گزارشگر سیا عده‌ای از مهندسان و نیروهای فنی که همراه مهاجمان آمده بودند، زمینه پخش مطلوب رادیو را فراهم کردند. اما نکته‌ای که حتی گزارشگر سیا به آن اشاره می‌کند این است که: «اگر مدافعان فرستنده رادیویی موفق به تخریب دستگاه‌ها و تأسیسات آن شده بودند، احتمالاً تحکیم و تثبیت کنترل نیروهای مخالف مصدق در پایتخت مدتی به تأخیر می‌افتاد».

واقعیت آن است که کارکنان فنی رادیو خود در این خیانت سهیم بودند و در راه انداختن دستگاه‌های فرستنده با کودتاچیان همراهی کردند. جالب اینکه وقتی از جانب دولت کودتا از مهندس ناصر توفیقی (رئیس اداره فرستنده پخش صدا)، مهندس محمدرضا عاطفی (رئیس استودیو و معاون پخش صدا)، مرتضی قلی

برشمردن اهمیت رادیو، از دور بودن برنامه‌های آن از وقایع در حال انجام در تهران می‌نویسد: «رادیو تهران از جمله مهم‌ترین اهداف بود، زیرا تصرف آن نه تنها توفیق در پایتخت را قطعی می‌کرد بلکه در همراه کردن شهرستان‌ها با دولت جدید نقشی مؤثر ایفا می‌نمود. در گرماگرم وقایع، رادیو تهران نخست گفت‌وگوهایی ملال‌آور درباره تحولات قیمت پنبه پخش کرد و در نهایت به پخش موسیقی پرداخت». مدافعان ایستگاه رادیو به سرعت در مقابل مهاجمان مقهور شدند. گویا سه نفر در درگیری‌های تصرف رادیو کشته شدند و در ساعت چهارده و دوازده دقیقه بعد از ظهر نیروهای کودتا بر رادیو تسلط یافتند.

دکتر غلامحسین صدیقی تصرف رادیو را بر طبق آنچه از رادیوی خانه دکتر مصدق شنیده، چنین شرح می‌دهد: «صدای هیاهو و جنجال در رادیوی اتاق مجاور که محل کار دکتر ملک اسماعیلی (معاون نخست‌وزیر) بود، شنیده شد. برخاستم و به آن اتاق رفتم. معلوم شد مخالفان اداره رادیو را اشغال کرده‌اند. مدتی صداهای عجیب و غریب که حاکی از کشمکش در استودیو بود، شنیده می‌شد. بعد چند دقیقه صدا قطع شد.

در حال تغییر بود. روزنامه **باختر امروز** و حزب ایران، دو مرکز مهم هوا دار مصدق، آماج حمله پیاده نظام کودتا قرار گرفتند و طعمه حریق شدند. ستاد فرماندهی کودتا در ساعت ۱۰ صبح با برادران رشیدیان، سرکردگان اخلال‌گران، تماس گرفتند و از آنان خواستند که به تصرف رادیو اقدام کنند. در این میان تنها دکتر غلامحسین صدیقی (وزیر کشور)، در اندیشه حفاظت از رادیو بود. او در ارائه گزارش از اشغال تلگراف‌خانه و مرکز تلفن به مصدق، از او خواست: «به هر ترتیب که ممکن باشد مرکز بی‌سیم و اداره رادیو را حفظ و مراقبت کنید، زیرا اگر چه تلگراف‌خانه اشغال شده است ولی اگر تظاهرکننده‌ها به مرکز بی‌سیم و اداره رادیو رخنه کنند، عمل آنها موجب تشنج و اختلال نظم فوری در سراسر کشور خواهد شد».

این هشدار درمقر نخست‌وزیری و هنگام ملاقات با فاطمی نیز تکرار شد و او این امر را بر هر کاری مقدم دانست: «فعلاً آنچه بر هر چیز مقدم است، حفظ مرکز بی‌سیم و رادیو است که باید به وسیله یک عده سرباز و افسری لایق و مطمئن صورت گیرد. ویلبر، گزارشگر کودتا نیز ضمن

معترف (ناظر پخش صدا) و محمد مختاری درخشان (سرکشیک پخش صدا) تقدیر به عمل آمد، عده‌ای دیگر از کارکنان رادیو خود را مستحق این تقدیر دانستند و به گفته آنان افراد مورد تقدیر تنها پس از شنیدن خبر تصرف رادیو و حفظ دستگاه فرستنده به محل رادیو آمدند.

با سقوط سریع رادیو به دست کودتاچیان، کرومیت روزولت (مامور سیا و فرمانده عملیات)، با زاهدی در مخفیگاهش، دیدار و او را رهسپار رادیو کرد. زاهدی در ساعت شانزده و سی دقیقه به صورتی نمادین سوار بر تانک شد و در ساعت هفده و بیست و پنج دقیقه از رادیو به سخنرانی پرداخت. بلافاصله پس از سقوط رادیو تهران، ایستگاه‌های رادیویی مناطق دور از مرکز یا به تصرف نیروهای طرفدار شاه درآمدند و یا وفاداری خود را به کودتاگران اعلام کردند. اولین ایستگاه، فرستنده سنج بود که در ساعت چهارده و پنجاه دقیقه برنامه‌هایش قطع شد و پس از آن رادیو تبریز بود که در ساعت پانزده و پنجاه دقیقه از تصرف این ایستگاه به دست نیروهای سلطنت طلب خبر داد.

سخن آخر

دولت دکتر مصدق در روز ۲۵ مرداد از طریق رادیو به بهترین وجه اطلاع‌رسانی کرد و از این طریق سیطره دولت مرکزی را بر اقصی نقاط ایران فراهم آورد و ضربه روحی لازم را به کودتاچیان وارد کرد، اما در روزهای بعد این ارتباط حفظ نشد و می‌توان گفت از بعد از ظهر ۲۷ مرداد به طور کلی قطع شد. رادیو در این روز به گونه‌ای عمل کرد که گویا واقعه‌ای رخ نداده و حادثه‌ای در شرف وقوع نیست. حتی دکتر فاطمی با نقشی که در روز اول ایفا کرد، در روزهای بعد به طور کمرنگ‌تری ظاهر شد و تدابیر لازم همچون کودتای اول پیش‌بینی نشد؛ برای مثال، حضور بشیر فرهمند

در رادیو لازم و ضروری تر بود تا اینکه وی در منزل دکتر مصدق باشد. دکتر صدیقی نیز این قطع ارتباط دولت و ملت را که با در اختیار داشتن امکاناتی همچون رادیو به وقوع پیوست، از دلایل پیروزی کودتای داد: «بعد از تجمع عصر روز ۲۵ مرداد در بهارستان، مردم را به حال خودشان رها کردند. بعد از آن سخنان تند، باید مردم عصبی و تحریک شده را راهنمایی می‌کردند.

۲۷ مرداد در حالی روبه پایان بود که حاکی از انفعال نیروهای دولتی در مقابل کودتاچیان بود و گویا آنها کار را تمام شده می‌دانستند و دیگر نیازی به هدایت و تهبیح نیروهای مردمی نمی‌دیدند.

در آن موقع باید به مردم تفهیم می‌شد که بیش از هر زمان هشیار باشند. باید تماس رهبران جبهه ملی و ملیون با مردم قطع نمی‌شد. باید همه روزه رهبران جبهه ملی با وسایل مختلف با مردم حرف می‌زدند و مردم را آماده نگاه می‌داشتند.

پاورقی:

۱- این مقاله بخشی از پژوهشی است که نگارنده درباره تاریخچه رادیو به سفارش اداره کل تحقیق و توسعه صدا انجام می‌دهد.

۲- جالب اینکه دکتر فاطمی با پخش سرمقاله‌های روزنامه باختر امروز در رادیو در دوران دکتر مصدق بیشترین استفاده را از رادیو می‌کرد. بشیر فرهمند در این باره می‌گوید: «در مورد مطالب روزنامه‌ها، اینجا باید روزنامه‌ها به دو قسمت تقسیم شوند.

یکی از سرمقاله‌های روزنامه باختر امروز و دیگر مطالب سایر روزنامه‌های موافق دولت، همیشه از بدو تأسیس رادیو تهران و اداره تبلیغات رسم بر این بود که اداره اطلاعات و مطبوعات در اداره تبلیغات، مطالب روزنامه‌های صبح و عصر پایتخت را مطابق سیاست روز دولت تنظیم می‌کرد. بعد برای پخش از رادیو به اداره رادیو می‌رفت و پخش می‌شد. ولی در مورد سرمقاله‌های باختر امروز تا آنجایی که خاطر هست، این سرمقاله‌ها در ساعت غیررسمی مطبوعات از رادیو پخش می‌شد. یعنی سرمقاله‌های باختر امروز شب‌ها بعد از پخش اخبار یعنی بعد از ساعت ۹ به وسیله گوینده در رادیو خوانده می‌شد و به زبان‌های خارجی هم برای پخش در برنامه‌های خارجی ترجمه می‌شد. در این موقع همیشه آقای دکتر فاطمی به من تلفن می‌کرد و تقاضا می‌کرد که این سرمقاله‌ها در ساعت غیررسمی جراید در رادیو خوانده شود.

منابع:

- علیرضا اسماعیلی و دیگران، (۱۳۷۹). اسنادی از تاریخچه رادیو در ایران (۱۳۴۵-۱۳۱۸ ه. ش). (معاونت خدمات مدیریت و اطلاع‌رسانی دفتر رئیس‌جمهور). تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- پولاتزر، پاتریس. (۱۳۸۱). اسفند. رادیو آلمان در دهه ۱۹۳۰ (ترجمه شهرام جمالیان). مجله رادیو، ۱۵، ۷۳.
- نیوتن، دونالد. (۱۳۸۰). ویلبر، عملیات آزاکس (ترجمه ابوالقاسم راه‌چمنی). تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- اسناد سازمان سیاد درباره کودتای ۲۸ مرداد و سرنگونی دکتر مصدق (ترجمه غلامرضا وطن‌دوست). تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- بزرگمهر، جلیل. (۱۳۶۳). مصدق در محکمه نظامی. تهران: تاریخ ایران.
- ورجاوند، پرویز. (۱۳۷۱). یادنامه دکتر غلامحسین صدیقی؛ فرزانه ایران زمین. تهران: چاپخش.

